

**گفت‌وگوی «جوان» با فرزند جانباز رزمنده مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید آقا حسینی** که به تازگی به دیار باقی شتافت

# ما بعد از درگذشت پدر بامبارزات او آشنا شدیم

**ساواک حکم تیر پدر را صادر کرده بود**

■ آرمان شریف

حجت‌الاسلام والمسلمین سید آقا حسینی به عنوان یک انقلابی باسابقه، یک رزمنده خستگی‌ناپذیر و یک استاد با بصیرت به تازگی به دیدار معبود شتافت. ایشان زندگی پرفراز و نشیبی داشتند و در دوران مبارزات انقلابی، مدتی به خاطر تحت تعقیب بودن پنهانی زندگی می‌کردند و در همان دوران بر اثر تحت تعقیب ساواک بودن و مخاطرات آن، همسرشان را از دست می‌دهند. پس از پیروزی انقلاب، به میدان‌های نبرد می‌روند و پس از جنگ با جدیت و نظم مشغول علم‌آموزی در حوزه و دانشگاه می‌شوند. هر بخش از زندگی ایشان حرف‌ها و نکات زیادی برای گفتن دارد. در آشنایی بیشتر با زندگی این مجاهد و رزمنده با دخترشان، دکتر شیمیا سادات حسینی به گفت‌وگو پرداختیم.



**در ابتدا بنفرمایید پدرتان در چه محیط خانوادگی و شرایطی بزرگ شدند و رشد پیدا کردند؟**

پدرم سال ۱۳۲۹ در خانواده‌ای سنتی و مذهبی در همدان به دنیا آمد. پدربزرگ‌شان فردی روحانی و مادر بزرگ‌شان صاحب کرامت و حافظ کل قرآن بودند. پدرم در دوران سربازی پدرشان را از دست می‌دهند و مسئولیت خانواده تا حدی به دوش ایشان می‌افتد. سه‌ خواهر و سه برادر بودند که یکی از برادران‌شان سیدمهدی حسینی در جنگ تحمیلی شهید می‌شود. بعد از سربازی برای تحصیل به تهران می‌یند و در یکی از دانشگاه‌های تهران در رشته اقتصاد قبول می‌شوند. بعد از دوران دانشجویی با مادرم ازدواج می‌کنند. متأسفانه من در دوران انقلاب مادرم را از دست می‌دهم. می‌شود به مادرم عنوان شهید داد، چراکه زمان انقلاب خیلی مطلوبانه جان‌شان را از دست می‌دهند و پدرم به خاطر اینکه آن زمان تحت تعقیب بودند، نتوانستند پیگیری‌های لازم را انجام دهند. پدرم برای گرفتن حکم شهادت مادرم پیگیری نکردند.

**دقیقاً چه اتفاقی برای مادرتان افتاد؟**

مادرم در همدان ساکن بودند و برای ازایمان فرزند دوشمان به تهران می‌آیند و چون پدرم چون تحت تعقیب بودند، نتوانستند همراه مادرم باشند. زمانی که یکی از سینماهای تهران را در میدان انقلاب آتش می‌زنند، تیراندازی صورت می‌گیرد و مادرم هم آن زمان در آن محل حضور داشت. اتفاقات آن روز باعث بدشدن حال مادرم می‌شود. حتی من شنیدم گل‌وله‌ای هم به ماشینی که مادرم سوار آن بود، می‌خورد. به خاطر آن اتفاقات حال ایشان بد می‌شود و چون روزی بود که پزشکان در تهران اعتصاب کرده بودند، هیچ بیمارستانی مادر را نمی‌پذیرد و در نهایت مادرم را به بیمارستان اقلیت‌های مذهبی می‌برند و آنجا پذیرش می‌کنند، ولی متأسفانه کاری برایشان نمی‌توانند انجام دهند و مادرم بعد از عروج برادرم (که زندیک به دنیا آمدنش بود) از دنیا می‌روند. من تنها دو سال از دوران کودکی‌ام را در کنار مادرم بودم، خاطراتی از ایشان ندارم و فقط نقل‌قول‌هایی که دیگران می‌گویند را شنیدم؛ام مادرم در قروه کردستان معلم بودند.

**پس از درگذشت مادرتان، شما با پدرتان به تنهایی زندگی کردید؟**

به ایشان رساننده بود، بنابراین فراری شدند. مرتب از این شهر به آن شهر می‌رفتند، به طوری که نتوانستند به مراسم خاکسپاری مادرم هم بیایند. یک‌بار برابم تعریف می‌کردند که از دور در بهشت زهرا(ع) ایستاده بودم و مراسم را نگاه می‌کردم، ایمن موضوع خیلی برایشان دردناک بود، چون پدرم دو سال بیشتر با مادرم زندگی نکردند و این داغ خیلی برایشان سخت بود. البته گفته می‌شود، اولین جرقه‌های مبارزات سیاسی پدر در دوران دبیرستان در همدان زده شد و ایشان با راهنمایی مبارزان سرشناسی مثل شهیدان دبیرم در دبیرستان کار سیاسی می‌کردند پدر خاطراتی را همین دوستان‌شان هنگام مبارزه داشتند.

**در فعالیت‌ها پس از پیروزی انقلاب به چه شکلی ادامه پیدا می‌کنند؟**
پدرم سال ۵۸ و ۵۹ از مؤسسان سپاه و عضو شورای فرماندهی

## ف

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**

**ف**



ارتباط با ما ۸۸۴۹۸۴۱



در زمان‌های کوتاه هم مباحث علمی را مطرح می‌کردند. برایمان تفسیر قرآن داشتند و همواره ما را به علم‌آموزی تشویق می‌کردند. ایشان خیلی ذهن طبقه‌بندی شده و منظمی داشتند. هر وقت مطالعه می‌کردند، مطالب را دقیق در دفترشان یادداشت و دسته‌بندی می‌کردند. در ارائه مباحث علمی خیلی مرتب، دقیق و با بیانی شیوا، قابل فهم و دسته‌بندی‌شده مباحث را بیان می‌کردند. انسان بسیار منظم و وقت‌شناسی بودند و تمام کتاب‌های‌شان را بنظم می‌چیدند؛اگر با کسی قرار می‌گذاشتند، حتماً سر ساعت حضور پیدا می‌کردند و می‌گفتند وقت مردم ارزشمند است، نباید وقت مردم را هدر داد. در جلسات‌شان هم وقت‌شناس بودند. در خانه ما همیشه به روی همه باز بود و هر کسی می‌خواست برای مشاوره بیاید، پدر با روی باز می‌پذیرفت. خیلی اهل عمل‌گرایی بودند و مواردی را که به دیگران توصیه می‌کردند، سعی می‌کرد خودش‌شان هم عمل کنند. این خیلی بحث مهمی است، من ندیدم پدر چیزی را توصیه کند و خودش به آن عمل نکند. حتی سعی می‌کردند زندگی‌شان تجملاتی نباشد و زندگی ساده‌ای داشته باشیمند. واقعاً ساده‌زیست بودند. دوست نداشتند زندگی‌شان رنگ تجملات به خود بگیرد و وسایل خانه را در نهایت سادگی انتخاب می‌کردند. حتی مهریه‌های دخترهای‌شان را می‌گفتند، بیش از مهریه حضرت زهرا(س) نباشد و کم می‌گرفتند. علت آن را هم می‌گفتند این است که به دیگران هم می‌گوییم مهریه را پایین بگیرند.

**پدرتان چه زمانی از دنیا رفتند؟**

پدرم از ۶ آذر ۱۴۰۱ از دنیا رفتند. چند سالی بود بیماری‌شان عود کرده بود و مدتی در بستر بیماری بودند. علت بیماری‌ها هم مشخص نمی‌شد؛ بعضی‌های‌شان خیلی خاص بود و دلایل هم مشخص نبود. برخی پزشکان می‌گفتند شاید از عوارض شیمیایی باشد، چون خودشان می‌گفتند در مناطقی از جبهه‌های جنگ تحمیلی رژیم بعثی از سلاح شیمیایی استفاده کرده بود. آخرین بار ۱۵ روزی در بیمارستان بستری بودند و چندین عمل داشتند، ولی در نهایت از دنیا رفتند. گویا خودشان از این موضوع آگاه بودند و دو ماه قبل مطالبی در این مورد می‌گفتند. با اینکه سال‌خمس‌شان تازه تمام شده بود و آن را پرداخت کرده بودند، باز هم به برادرم گفته بودند، برای دو ماهی را که گذشته حساب کرده و خواستند خمس این چند ماه را بدهند. پدر تا لحظه‌های آخر دنبال کسب علم بودند و توصیه‌هایی دربارہ علم و افزایش آگاهی می‌کردند. ایشان می‌گفت حیات انسان و ممات انسان در خواندن و مطالعه است. آنقدر به مطالعه سفارش می‌کرد که گویی به بزرگ‌ترین و بالاترین واجب سفارش می‌کند. جهل را عامل تمام بدبختی‌های بشر می‌دانست و علم را عامل رشد و کمال بشر تا اعلاعلیین می‌دانست. در دوران بیماری یکی از ناخاطی‌های‌شان این بود که نمی‌توانند مطالعه کافی داشته باشند.



**تیبیین می‌کردند.**

**پدرتان در خانه و خانواده چه شخصیتی داشتند؟**

در کارهای منزل مشارکت پررنگ داشتند و خیلی به

مادرمان کمک می‌کردند. چون به ادامه تحصیل‌شان که به خاطر مشکلات فرهنگی مدارس رژیم ضدفرهنگ شاهنشاهی و فعالیت‌های انقلابی خانواده نتوانسته بودند به دبیرستان راه یابند، اهمیت می‌دادند.اگر مادرمان بیرون بود یا کاری داشت، گاهی ایشان غذا درست می‌کردند یا

خانه را جارو می‌زدند تا ایشان بتوانند حتی کارشناسی را در دانشگاه به اتمام برسانند. همیشه سفارش می‌کردند چون دنیا محض خداست در محض خدا باید با وضو و باادب باشیم. می‌گفتند همیشه به نام خدا کارهایتان را شروع کنید. اینها برای همه‌مان عادت شده بود و برکت زندگی‌مان را عمل به این توصیه‌ها می‌دانیم. در رابطه



■ **پاسخ جدول شماره ۶۶۴۷**

		۹	۷	۵	۱		
	۲		۹	۸	۵		
	۱						
	۹		۷	۱	۶		
					۳		
		۷	۴				
					۲		۸
				۶		۳	۵

■ **پاسخ جدول شماره ۶۶۴۷**

۱	۷	۶	۳	۷	۸	۵	۱	۷	۷
۷	۳	۷	۶	۵	۸	۷	۱	۷	۷
۵	۸	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷

۱	۷	۶	۳	۷	۸	۵	۱	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷
۷	۳	۷	۱	۷	۱	۷	۳	۷	۷

طراحی:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۴۸

### از راست به چپ

■ ۱- مهریه حضرت زهرا(س)- از ماهیان خلیج فارس- چاشنی فسنجان ■ ۲- ساحر- سدی روی نیل مصر- خدای درویش ■ ۳- پدر مرده- تهنیت گفتن- متضاد مقصد ■ ۴- از پیامبرانی بنی اسرائیل در زمان بخت‌النصر- روشنلد ■ ۵- استخدام کارشناس خارجی از طرف دولت ... است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس- از عتبات عالیات- حاکم و فرمانروا ■ ۶- گنج در تداول عامه- آش عدس- اختراع مارکنی ایتالیایی ■ ۷- ویتامین جدولی- تیم فوتبالی در ایتالیا- دیکته ■ ۸- مهار و افسار- اختلاف پتانسیل الکتریکی- از تیم‌های علی دایی در فوتبال آلمان ■ ۹- تشکر فرانسوی- پخته و پخته‌شده- نیم‌صدای سسگ ■ ۱۰- غوطه‌ور در آب- واحد اندازه‌گیری حرارت- شکل و قیافه ■ ۱۱- از شهرهای استان فارس- ترس و بیم- همسایه آلمان ■ ۱۲- رئیس جمهور بولیوی- جودکار سنگین وزن اسبق تیم ملی ■ ۱۳- صحرايي در مصر- یکی پس از دیگری- از شهرهای استان کرمان ■ ۱۴- دوستی- جاری و رایج- آهنکین ■ ۱۵- ظریفی برای اندازه‌گیری غلات و مایعات- ستاره تریا- ورق کاغذ

### از بالا به پایین

■ ۱- به نیت برآورده‌شدن حاجات و رفع گرفتاری بیسن مردم پخش می‌کنند- غذای رقیب ■ ۲- پول تايلند- متلاطم- شاعر می‌گوید در آن بسی امید است ■ ۳- دینداری- پرآب‌ترین رود دنیا ■ ۴- دروازه‌بان تیم ملی آرژانتین در جام جهانی ۲۰۱۴ ■ ۵- خجالتی- خدای هندو ■ ۶- تخم‌مرغ فرنگی- مفهوم و مضمون کلام- بردت- از عربی ■ ۶- بدون مسئولیت و لایالی- از روی قصد و نیت- دایه پیامبر ■ ۷- ترازوی بزرگ- طولی خاکستری ■ ۸- هست آذری- از القاب امام علی- رشته‌کوه اروپایی ■ ۹- هنر هفتم- جزیره‌ای در دریاچه ارومیه ■ ۱۰- نوعی سیم‌کشی- زنگ خطر- بی‌ریا ■ ۱۱- آش- ریز نمرات دانش‌آموز- وطن- تکرار حرف آخر ■ ۱۲- بیماری کم‌خونی- ایزیدانو- عنکبوت ■ ۱۳- عمده‌فروش- از اسامی پسران ■ ۱۴- هدیه‌شده- پارچه مشبک- چاه جهنم ■ ۱۵- جایز و شایسته- استاد بهاداری که در بورس معامله می‌شود